

بررسی تطبیقی معجزه‌های عیسی • در قرآن و اناجیل

سمیه حسین پور

(دانش‌آموخته دوره عالی علوم و معارف قرآن و عضو حلقه علمی قرآن دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی)

چکیده

یادکرد معجزه‌های عیسی • در قرآن محدود؛ ولی در اناجیل متنوع است و این تنوع ناشی از نگارش انجیل‌ها توسط کاتبان بسیار است. هر دو کتاب دارای برخی معجزه‌های مشترک هستند؛ مانند زنده کردن مردگان، و برخی معجزات که منحصر در همان کتاب یعنی قرآن یا عهدجدید است. برخی موارد انحصاری در قرآن؛ مانند تأییدشدن توسط روح‌القدس، تکلم در گهواره، چشمه روان و پرندۀ گلین و مواردی است که در سنت اسلامی مشهور به «ارهاص» هستند؛ اما در انجیل‌ها هرگز خبری از این موارد مهم نیست. از این رو این مقاله با ارایه تصویر صحیحی از معجزات عیسی •، ما را به جامعیت قرآن رهنمون می‌سازد. بدیهی است اثبات جامعیت قرآن، فقط در سایه مطالعه تطبیقی در هر دو کتاب بدست می‌آید.

کلیدواژگان: معجزه، معجزه‌های عیسی، قرآن کریم، اناجیل، شفای بیماران، ارهاص.

مقدمه

این نوشتار در پی واکاوی معجزات عیسی • و پاسخ به برخی پرسش‌ها در این رابطه است. مثلاً استناد معجزات به «اذن خدا» در کتاب عهدجدید و قرآن چگونه است؟ عیسی • با چه هدفی معجزات را انجام می‌داد؟ آیا تعداد معجزه‌ها در قرآن و اناجیل یکی است؟ جهات افتراق و تشابه کجا است؟

اصل معجزات عیسی • در قرآن و اناجیل مورد وفاق است؛ اما تفاوت‌ها در مصداق معجزات دیده می‌شود. به این صورت که اصل معجزه شفا، راه رفتن بر آب و زنده کردن به وقوع پیوسته؛ اما در اناجیل افرادی که زنده شدند، مصداق‌های متعددی دارند. البته این تفاوت را می‌توان به سلايق نویسندگان اناجیل دانست؛ از این رو بررسی معجزات در عهدجدید از ثبات یکسانی برخوردار نیست. درباره معجزه‌های عیسی • در قرآن و اناجیل کار مستقلى صورت نگرفته؛ گرچه به صورت پراکنده ذیل کتب تاریخی، قصص و زندگی‌نامه عیسی و به‌طور کلی مسیحیت و ادیان ابراهیمی مطالب فراوانی در آثار مختلف موجود است؛ اما این مقاله با توجه به نص اناجیل در پی تطبیق آن با منصوصات قرآنی در این باره است.

روش مقاله، تحقیقی توصیفی و کتابخانه‌ای و با رویکرد تطبیقی است تا در سایه آن بتوان به نتایج روشن رسید. در این نوشتار ابتدا مختصری در مفهوم‌شناسی، فلسفه معجزه و استنادات آن گفتیم و سپس در دو فصل مجزا، ابتدا به معجزات عیسی • در اناجیل و سپس در فصل دوم به معجزات آن حضرت در قرآن با استناد به آیات اشاره خواهیم کرد و در فصل پایانی به وجوه افتراق و اشتراک آنها خواهیم پرداخت.

۱. مفهوم‌شناسی معجزه

واژه معجزه^۱ به معنی کار خارق‌العاده^۲ است و در لغت از ریشه «عجز» آمده که به دو معنی است: یکی ضعف، مقابل قدرت^۳ و دیگری نهایت و پایان هر چیزی.^۴ در اصطلاح، معجزه بر هر امر خارق عادتى اطلاق می‌شود که همراه با تحدی و از معارضه سالم

۱. Miracles

۲. علی محمد حق‌شناس، فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی فارسی، فرهنگ معاصر، ج ۲، ص ۱۰۷۲

۳. رک: حسن مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۸، ص ۳۸.

۴. ابی‌الحسین احمد بن فارس بن ذکریا، معجم مقاییس اللغة، تحقیق، عبدالسلام محمد هارون، ج ۴، ص ۲۳۲.

باشد که دلیلی بر صدق رسالت‌شان تلقی شود.^۱ با توجه به این تعریف، معجزه منسوب به علل ماوراءالطبیعه است.^۲ تعاریف علامه حلی^۳ و آقای خرمشاهی^۴ که ناتوانی و معذوریت مردم در آن مدنظر است نیز همین مفهوم را تأکید می‌کند. واژه‌های بیانگر مفهوم معجزه در کتاب مقدس؛ عبارتند از: «آیت»، «معجزات»، «عجایب»^۵ و «آثار، نشانه‌ها، قوا و نیرو».^۶ در قرآن نیز الفاظ «آیه، بینه، برهان، بصیرت و شیء مبین» بکار رفته است.^۷ بنابراین معجزه در هر دو کتاب به وقوع پیوسته و جای هیچ‌گونه تردیدی نیست به‌گونه‌ای که واژه‌ها از جهت مضمونی نیز دارای شباهت‌اند.

۲. گونه‌های معجزه

آیت‌الله معرفت، معجزات انبیا را به دو قسم حسی و عقلی تفکیک کرده است.^۸ معجزه حسی با چشم و برای عامه و خاصه به‌ویژه عامه مردم درک می‌شود و بیشتر معجزاتی است که برای بنی اسرائیل نازل شد؛ مانند: ناقه صالح، عصای موسی، نار ابراهیم و معجزات عیسی مانند: شفای نابینا، ساختن پرنده گلین، زنده کردن مردگان. و معجزه عقلی با بصیرت و قابل درک است؛^۹ مانند خبردادن از غیب توسط عیسی •

تقسیم ایشان براساس درک مردم از معجزه بود. گاهی نیز براساس درخواست مردم، تقسیم دیگری بدست می‌آید که عبارت است از اقتراحی به درخواست مردم،

۱. محمدهادی معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۴، ص ۱۶؛ رک: الاتقان فی علوم القرآن، ج ۴، ص ۳؛ شناخت قرآن، ص ۵۸۳.

۲. رک: گلناز حامدی، فرهنگ اصطلاحات ادیان جهان، ص ۱۴۸.

۳. مقدادبن عبدالله السیوری، الباب الحادی عشر للعلامه الحلی، تحقیق: مهدی محقق، ص ۳۶.

۴. بهاءالدین خرمشاهی، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ج ۲، ص ۲۱۰۳: «معجزه امری است عقلاً ممکن و خارق‌العاده که خداوند به هریک از پیامبرانش که بخواهد، می‌دهد تا با آن صدق و صحت رسالت خویش را به ثبوت برساند و مردم مانند آن نمی‌توانند بیاورند.»

۵. مستر هاکس، قاموس کتاب مقدس، ص ۵۹۸.

۶. رک: اعظم پرچم، «معجزه در عهدین»، مجله تخصصی کلام، ش ۴۱، ۱۳۸۱، صص ۸۱، ۸۰.

۷. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دایرةالمعارف قرآن کریم، ج ۳، ص ۵۵۸.

۸. رک: محمدهادی معرفت، التمهید فی علوم القرآن، ج ۴، صص ۱۷، ۱۸.

۹. همان.

ابتدایی، به درخواست مردم و با تکیه به اذن خداوند.^۱

در مسیحیت نیز معجزه‌های عیسی • را دو گونه می‌دانند:^۲

۱. از باب خدمت به بیماران و مطرودان که بر مبنای اظهار محبت بود؛^۳

۲. نوع دشوار با هدف پرده‌برداشتن از فعالیت خداوند.

با دقت در تقسیم‌بندی معجزات در اسلام و مسیحیت، به نظر می‌رسد می‌توان گفت که در هر دو طیف، انواع معجزات دارای اتحاد معنایی می‌باشند؛ زیرا در هر دو درخواست مردم و نشان دادن قدرت خداوند مشاهده می‌شود.

بحث استناد به منظور پشتوانه معجزات مطرح می‌شود و درباره معجزات عیسی • باید گفت که هم در قرآن و هم اناجیل، معجزات مستند به خداوند هستند. در قرآن صدور معجزه از جانب پیامبران منوط به اذن خداست: «... وما كان لرسول ان يأتي بآية الا باذن الله...»^۴ «و هیچ فرستاده‌ای را نرسد که بی اجازه خدا نشانه‌ای بیاورد...» همان‌طور که از این اذن به‌عنوان مبدأ موثری در وجود انبیا یاد کرده است؛ مانند: «... اَخْلَقَ لَكُمْ مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَاَنْفَخُ فِيْهِ فَيَكُوْنُ طَيْرًا بِاِذْنِ اللّٰهِ...»^۵ «... من از گل برای شما به شکل پرنده می‌سازم، آنگاه در آن می‌دمم، پس به اذن خدا پرنده‌ای می‌شود...» بنابر دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی تکرار «باذن الله» در این آیه برای جلوگیری از توهم تثلیث، فرزند خدا بودن و نشانه رسالت آن حضرت • است.^۶

قرآن کریم درباره نوع معجزات عیسی • می‌فرماید:

«إِذْ قَالَ اللّٰهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِيْ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدْتِك بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنْفَخُ فِيْهَا فَتَكُوْنُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ»^۷ «[یاد کن] هنگامی را که خدا

۱. رک: آیت‌الله عبدالله جوادی آملی، تفسیر موضوعی قرآن مجید، ج ۶ ص ۱۰۸.

۲. رک: جان آر. هیلنر، فرهنگ ادیان جهان، ص ۴۵۳.

۳. رک: اعظم پرچم، «بررسی و مطالعه گفت‌وگوهای تورات، انجیل و قرآن در معجزه پیامبران»، الهیات تطبیقی، سال ۱۳۸۹، ش ۱، ص ۲۳.

۴. غافر/۷۸.

۵. آل عمران/۴۹.

۶. رک: عبدالله جوادی آملی، تسنیم تفسیر قرآن کریم، ج ۱۴، ص ۳۱۴.

۷. مائده/۱۱۰.

فرمود: «ای عیسی پسر مریم، نعمت مرا بر خود و بر مادرت به باد آور، آنگاه که تو را به روح‌القدس تأیید کردم که در گهواره [به اعجاز] و در میان‌سالی [به وحی] با مردم سخن گفتی و آنگاه که تو را کتاب و حکمت و تورات و انجیل آموختم و آنگاه که به اذن من، از گل، [چیزی] به شکل پرنده می‌ساختی، پس در آن می‌دمیدی، و به اذن من پرنده‌ای می‌شد، و کور مادرزاد و پیس را به اذن من شفا می‌دادی و آنگاه که مردگان را به اذن من [زنده از قبر] بیرون می‌آوردی و آنگاه که [آسیب] بنی اسرائیل را - هنگامی که برای آنان حجت‌های آشکار آورده بودی - از تو بازداشتم. پس کسانی از آنان که کافر شده بودند گفتند: این [ها چیزی] جز افسونی آشکار نیست.»

با مطالعه در تفاسیر عقلی اجتهادی در مورد واژه «إذن» در آیه ۱۱۰ مائده، نظرات یکسانی مشاهده می‌شود به گونه‌ای که شیخ طوسی،^۱ طبرسی،^۲ بیضاوی،^۳ نسفی،^۴ صاحب انوار درخشان،^۵ فخر رازی،^۶ سیوطی^۷ و زمخشری^۸ اذن را به معنی امر و اراده خداوند گرفته‌اند، به این معنی که معجزات صادره از عیسی • از جانب خداوند است و در واقع فعل خداست نه عیسی •.

در انجیل یوحنا از کتاب عهدجدید نیز می‌خوانیم:

«من در پدرم و پدر در من است کلامهایی که بر شما می‌گوییم از خود نمی‌گوییم: بلکه پدری که در من ساکن است اعمال خویش را می‌کند.»^۹ این آیه می‌رساند که قدرت خدادادی^{۱۰} مسیح در انجام معجزاتش دخالت داشته که می‌گوید: «... چنین می‌خواهم پاک شو!»^{۱۱}

۱. شیخ طوسی، التبیان، تحقیق: احمد حبیب قصیر عاملی، ج ۲، ص ۴۶۸ و ج ۴، ص ۵۶.

۲. ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن، ج ۳، ص ۲۶۲.

۳. عبدالله بن عمر بیضاوی، انوارالتنزیل و اسرارلتاویل، ج ۲، ص ۱۴۹.

۴. ابوحفص نجم‌الدین محمد نسفی، تفسیر نسفی، ج ۱، ص ۲۳۹.

۵. محمدحسین حسینی‌همدانی، انوار درخشان، ج ۵، ص ۱۸۴.

۶. ابوعبدالله محمدبن عمر فخر رازی، مفاتیح‌الغیب، ج ۱۲، ص ۴۶۰. «استناد فخر رازی به آیه ۱۴۵ آل عمران (و ما کان لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ...) بود یعنی اضافه حقیقت فعل به الله است.»

۷. محلی جلال‌الدین و جلال‌الدین سیوطی، تفسیر جلالین، ص ۱۲۹.

۸. ابی‌قاسم محمودبن عمر زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التاویل، ج ۲، ص ۳۱۲.

۹. یوحنا، ۴: ۱۰.

۱۰. اعظم پرچم، «معجزه در عهدین»، مجله تخصصی کلام، ش ۴۱، ۱۳۸۱، ص ۸۷.

۱۱. مرقس، ۱: ۴۲.

بنابراین، می‌توان بیان داشت که حضرت عیسی •، معجزات را به اذن خدا انجام می‌داد و در عمل کردن مستقل نبود و استناد معجزه به خداوند یا حضرت عیسی • منافاتی ندارد؛ چون فاعل اصلی خداوند و سایر فاعل‌ها در طول او هستند. گرچه در اناجیل به صراحت از این اذن یاد نشده؛ اما با دقت در اناجیل مشخص می‌شود که واژگانی مانند: «خداوند، چنین می‌خواهم، لمس کرد، قدرت، ایمان دارید، دلش به رحم آمد، بروید، رخصت، برون آی، برخیز، و...» دلالت بر اذن از جانب خدا دارد؛ و باید اذعان کرد که به این مؤلفه کمتر پرداخته شده است.

در مورد فلسفه معجزات باید گفت که هر پیامبری به مقتضای شرایط زمانی، مکانی، مخاطبان و تأیید رسالت خود نیاز به نشانه‌ها و امدادهای الهی داشت که در مورد حضرت عیسی نیز این امر جاری بود، به گونه‌ای که احیای مردگان در زمان عیسی، متناسب با ساحر در زمان فرعون و طبابت در زمان امپراطوری روم بوده است.^۱ در کتاب مقدس آمده که معجزات عیسی • جهت خیرخواهی و منفعت بشر اجرا می‌شده است.^۲ این دیدگاه با آنچه در متون اسلامی در مورد فلسفه معجزات عیسی مطرح شده، متفاوت است. به هر حال این نوشتار در بیان ماهیت و فلسفه معجزه‌های عیسی • نیست و گرنه این موضوع نیز از پژوهشهای بایسته است.

فصل اول. معجزه‌های عیسی • در اناجیل

تقسیم‌بندی معجزات عیسی • در اینجا از امور ابتدایی و حسی مانند شفای بیماران آغاز می‌شود و سپس به امور واقع شده در طبیعت و در نهایت به زنده کردن مردگان اشاره دارد. بنابراین روند محتوای مقاله، سیر محسوس به معقول را طی کرده تا خواننده آهسته و به مرور با معجزات آشنا شود.

بخش اول. معجزه در بیماران جسمی و روحی

در میان معجزات عیسی •، شفای بیماران به مراتب بیش از دیگر موارد رخ داده است. این معجزه گاه در غالب شفای دیوانگان، مبتلایان به برص، بیماران زمین‌گیر، مفلوج، کور، کر و لال و... ظاهر شده است.^۳ آیات فراوانی از اناجیل به این موضوع اشاره دارند.

۱. رکه علی کمالی دزفولی، شناخت قرآن، ص ۵۹۰.

۲. مستر هاکس، قاموس کتاب مقدس، ص ۵۹۹.

۳. محمدرضا زیبایی‌نژاد، مسیحیت‌شناسی مقایسه‌ای، ص ۵۳.

درباره شفاهای بسیار در انجیل متی خلاصه‌وار به شفای دیوزدگان اکتفا کرده؛ حال آنکه در باب‌های بعدی متی به مکان شفا مانند «سرزمین جناسرت» و «دریاچه جلیل» اشاره کرده و در مرقس و لوقا به اختصار بیان شده است.

۱.۱. شفای نابینایان

در بیماری‌های جسمی ابتدا از شفای نابینایان می‌گوییم: «... نابینایان به او نزدیک شدند عیسی ایشان را گفت: «ایمان دارید که این کار از من بر آید...»^۱ این شفا در اناجیل با اختلافاتی که خواننده را به سوی معجزه جدیدی فرامی‌خواند؛ به‌طوری‌که از نظر محتوا یکی‌اند؛ ولی از نظر افراد و مکان دائماً در حال تغییرند؛ مانند: «نابینا تیمایوس و اریحا»، «بیت صیدا». همان‌طور که در انجیل یوحنا آمده^۲ و عیسی را با لقب «پسر داود» و چگونگی شفا را با لمس کردن چشم و گذاشتن آب دهان ذکر کرده است.

۱.۲. شفای ناشنوا

شفای ناشنوا در اناجیل تنها در مرقس با عنوان ناشنوی الکن آمده به‌گونه‌ای که شفای لال را هم در برمی‌گیرد: «و انگشت خویش را در گوش‌هایش نهاد و به آب دهان خود زبانش را لمس کرد و گوش‌های او باز شد...»^۳

۱.۳. شفای مفلوج و رنجور

«آنگاه مفلوج را گفت برخیز و بستر خویش برگیر و رهسپار خانه خود شو! برخاست و رهسپار خانه خود شد.»^۴

۱.۴. شفای جذامی

در انجیل‌های متی، مرقس و لوقا آمده است: «در این هنگام جذام‌زده‌ای نزدیک آمد و گفت: چنین می‌خواهم پاک شو! و بی‌درنگ جذام او پاک شد.»^۵ این معجزه که در متی و مرقس ذکر شده، کاربرد لفظ «بی‌درنگ» نشان از تکرار و اهمیت دارد. یعنی از جهتی از سرعت وقوع معجزه و عدم فاصله زمانی خبر می‌دهد که

۱. همان، ص ۱۶۲، متی، ۲۰: ۲۷-۳۰؛ رک: علامه بلاغی، الهدی الی دین المصطفی، ج ۱، ص ۲۶۳؛ رک: متی، ۲۰: ۲۹-۳۴؛ مرقس، ۱۰: ۴۶، ۵۲؛ لوقا، ۸: ۲۲-۲۶؛ لوقا، ۱۸: ۳۹.

۲. یوحنا، ۸: ۴۱-۱.

۳. مرقس، ۷: ۳۱-۳۷.

۴. متی، ۹: ۱۸؛ رک: علی آل اسحاق خوئینی، مسیحیت (آشنایی با مکتب وحی)، ص ۵۸؛ رک: مرقس، ۴: ۱-۲؛ لوقا، ۵: ۱۷-۲۶؛ لوقا، ۷: ۱-۱۰؛ متی، ۸: ۵-۱۲؛ رک: یوحنا، ۴: ۱-۱۸.

۵. متی، ۷: ۱-۴؛ رک: مرقس، ۱: ۴۰-۴۵؛ لوقا، ۵: ۱۵-۱۶.

دقت در واژه‌های به کار رفته در معجزات مختلف ما را به سمت سلیقه‌ای بودن نگارش انجیل‌ها توسط نویسندگان می‌رساند. به‌عنوان مثال در متی، به فرد جذامی گفته که کسی را با خیر مکن؛ در صورتی که در مرقس آن فرد، دیگران را آگاه می‌کند و جمعیت به سوی عیسی روان می‌دارد.

۱.۵. شفای بیماران مبتلا به تب

«عیسی چون به خانه پطرس آمد، مادر زن او را دید که در بستر بود و تب داشت او را لمس کرد و تب از تنش برفت برخاست.»^۱
این معجزه در متی، مرقس و لوقا از نظر محتوا یکی ولی مصداق آن متعدد بوده است: مادر زن شمعون و پطرس.

۱.۶. شفای زن مبتلا به خونریزی دایمی

این معجزه در انجیل‌ها بعد از زنده‌شدن دختر یائئروس ذکر شده است: «باری در این هنگام زنی که از ۱۲ سال قبل به خونریزی دائمی مبتلا بود عیسی گفت: دل قوی دار دخترم! ایمان تو نجات داد.»^۲ این شفا در انجیل همزمان با دو معجزه دیگر به وقوع پیوسته که اشاره خواهد شد.

۱.۷. شفای مردی که دستش خشک شده بود

«... آنجا مردی بود که یک دستش خشک شده بود... . آنگاه آن مرد را گفت دست خویش پیش آر، پیش آورد و چون دست دیگرش سالم گشت.»^۳
در متی و مرقس دست فرد سالم گشته و فریسیان تصمیم بر هلاکت عیسی گرفته‌اند. در مرقس به خشم عیسی اشاره کرده که در متی بیان نشد. از شاخصه‌های این معجزه نسبت به سایر معجزه‌ها، وقوع آن در روز سبت (شنبه) است که طبق نظر یهودیت وقوع هرکاری در روز سبت جایز نیست و آنها وقوع معجزه در این روز را بهانه‌ای برای رسیدن به اهداف خود قرار دادند.

۱.۸. شفای زن خمیده‌قامت

«... در آن هنگام زنی آن جا بود که از ۱۸ سال قبل روحی او را رنجور کرده بود قامتش به تمامی خمیده گشته بود ... پس آنگاه دستان خویش بر او نهاد و همان‌دم

۱. متی، ۸: ۱۴-۱۵؛ رک: مرقس، ۱: ۱۹-۳۱؛ لوقا، ۴: ۳۸-۳۹.

۲. متی، ۹: ۲۰-۲۱؛ رک: رابرت ای وان وورست، مسیحیت از لابه‌لای متون، ترجمه جواد باغبانی، عباس رسول‌زاده، ص ۶۱؛ رک: مرقس، ۵: ۲۱-۴۳؛ لوقا، ۸: ۴۰-۵۶.

۳. متی، ۱۲: ۹-۱۴؛ رک: مرقس، ۳: ۱-۶؛ لوقا، ۶: ۱۱-۱۲.

قامتش راست گشت و خدای را تمجید کرد.^۱

۱.۹. شفای مرد مبتلا به آب آوردگی

«در این هنگام مردی که تنش آب آورده بود برابر او قرار داشت ... او را شفا بخشید.»^۲ در مجموعه اناجیل آیاتی وجود دارد که عیسی • حرمت روز سبت را نگه نداشته و از نگاه فریسیان، نقض احکام کرده است. استدلال عیسی • در مقابل فریسیان و سایرین این است که اگرچه عمل من در نزد شما گناه است؛ ولی خلاف مشیت الهی نیست.^۳

۱.۱۰. شفای دیوزدگان

«... عیسی دیو را نهیب زد و دیو از کودک برون شد و از آن دم شفا یافت.»^۴ در این معجزه، حضرت عیسی • پسر دیوزده مصرع را شفا داد و در خلال آن به حواریان مواعظی را عرضه داشت. این ماجرا در لوقا آمده ولی در مرقس این امر در کفرناحوم واقع شده است.

بخش دوم. معجزات عیسی • در طبیعت

آنچه از امور طبیعی در مقابل دید انسان قرار دارد که نشان‌دهنده قدرت خداوند در طبیعت و عیسی • واسطه در نشان دادن آن است؛ مانند: فرونشاندن طوفان، راه رفتن بر آب و... چنین معجزات سیر صعودی به نزولی دارد؛ یعنی از طوفان به عنوان یک پدیده آسمانی شروع و به شراب‌سازی که با معجزات عیسی • سازگاری ندارد، ختم می‌شود.

۲.۱. فرونشاندن طوفان

«... زورق از امواج آکنده گشت در این حال او خفته نزدیکش آمدند و بیدارش کردند و گفتند: دریاب ای خداوند که از دست می‌رویم! ایشان را گفت: از چه روی بیمناکید ای کم‌ایمانان! آنگاه برخاست و بادهای دریا را نهیب زد و آرامش مطلق برقرار گشت...»^۵

این معجزه در متی، مرقس و لوقا به یک سبک مطرح شده که عیسی • در عین

۱. لوقا، ۱۳: ۱۰-۱۳.

۲. لوقا، ۱۴: ۱-۴.

۳. مهرباب صادق‌نیا، «مسیح و شریعت موسوی»، هفت‌آسمان، ش ۲۷، ص ۴۳-۴۴.

۴. متی، ۱۷: ۱۴-۱۸؛ رک: مرقس، ۹: ۱۴-۲۹؛ مرقس، ۱: ۲۱-۲۸، لوقا، ۹: ۳۷-۴۳.

۵. متی، ۸: ۲۳-۲۷؛ مرقس، ۴: ۳۵-۴۱؛ لوقا، ۸: ۲۲-۲۵.

معجزه به موعظه شاگردانش می‌پردازد. نکاتی در این معجزه ذهن خواننده را مشوش می‌کند مانند: نهیب‌زدن دریا که اگر به جای ابهام با صدای بلند می‌آمد، پذیرفته‌تر بود. نیز فراز آخر آیه «مردان به شگفت آمده و گفتند این مرد کیست؟» نیز محل ابهام است؛ زیرا جز شاگردان کسی همراه عیسی • نبود که آنجا با لفظ «مردان» آمده، از طرفی مگر شاگردان عیسی را نمی‌شناختند که گفتند او کیست؟

۲.۲. راه رفتن بر آب

«... در چهارمین پاس از شب عیسی درحالی که بر دریا گام برمی‌داشت...»^۱ در متی، پطرس در کنار عیسی • است و او را به مردم کم‌ایمان و شکاک توصیف می‌کند. در ادامه آیات، شاگردان برابر عیسی سجده کرده و او را پسر خدا خطاب کردند؛ در صورتی که این آیات در مرقس نیست و اسمی از پطرس نیامده است. در یوحنا نیز این ماجرا به اختصار آورده و به محل ورود زورق در کفرناحوم و خروج به خشکی نشستن اشاره کرده و مطالب مطرح در انجیل یوحنا در دیگر انجیل موجود نیست.

۲.۳. برکت دادن به طعام

«... عیسی ایشان را گفت: نیاز نیست بدانجا روند، شما خود ایشان را طعام دهید او را گفتند: لیک ما اینجا جز پنج نان و دو ماهی نداریم. گفت: آنها را اینجا نزد من آورید...»^۲

در انجیل متی، حضرت به مکان متروکی رفتند و حواریان نزد او حضور یافتند و برای مردم که جز ۵ نان و ۲ ماهی، طعامی برای خوردن نداشتند، درخواست غذا کردند و در پایان با سیرشدن افراد حاضر که به استثنای زنان و کودکان پنج‌هزار نفر بودند، ۱۲ سبد از آن غذاها باقی ماند. در مرقس آمده که حضرت از حواریان خواست تا به محلی رفته و استراحت کنند.

در مرتبه دوم،^۳ حضرت به شاگردان گفت: مردم ۳ روز نزد من چیزی نخورند که شاگردان گفتند: ۷ نان و چند ماهی کوچک موجود است که به جز زنان و کودکان چهارهزار نفر از آن خوردند و اضافه غذا را در ۷ سبد جمع کردند. سپس عیسی به سرزمین مجدان رفت که در مرقس با نام «دالمانوتا» آمده است.

۱. متی، ۱۴: ۲۵-۲۹؛ رک: مرقس، ۶: ۴۵-۵۲؛ یوحنا، ۶: ۱۶-۲۱.

۲. متی، ۱۴: ۱۵-۲۱؛ مرقس، ۶: ۳۰-۳۳.

۳. متی، ۱۵: ۳۲-۳۹؛ مرقس، ۷: ۱-۱۰.

به عبارت دیگر، نگارندگان انجیل متی و مرقس که کتاب خود را از روی نوشته‌های قدیمی ستنساخته می‌کردند، وجود این اختلافات جزئی را در دو نسخه که دو صورت از یک معجزه بودند و آنها را دوجریان مختلف پنداشته در انجیل خود نوشته‌اند و جالب اینکه دو نقل مکرر در متی و مرقس کنار هم قرار گرفته‌اند.^۱

۲,۴. درخت انجیر خشکیده

«... درخت انجیری کنار راه بدید و نزدیک آن آمد لیک بر آن جز برگ نیافت. آنگاه آن را گفت: دیگر هرگز میوه نخواهی داد! و همان‌دم درخت انجیر خشک شد.»^۲ در این مورد گویی با پندار ذهنی درست نیست که شخص پیامبری به دلیل عدم تحمل گرسنگی چنین دعا یا نفرینی بکند.

۲,۵. سکه

این معجزه به دلیل دریافت خراج از عیسی • بوده که حکایت از سؤال‌هایی بین عیسی و شمعون است: «... و نخستین ماهی را که برآمد بگیر و دهانش را بگشا در آن یک استاتر^۳ خواهی یافت آن را بگیر و به ایشان ده از برای من واز برای خویش.»^۴

۲,۶. صید ماهی بزرگ

این معجزه در پی عدم طعامی برای تناول عیسی • و شاگردان بود که ملاقات عیسی با شاگردان خاص در طبریّه بود: «عیسی ایشان را گفت: از آن ماهی که صید کرده‌اید بیاورید، آنگاه شمعون و پطرس به زورق رفت و تور آکنده از ماهی‌های درشت را به خشکی کشید، صدوپنجاه ماهی و بهرغم مقدار ماهی تور پاره نشد.»^۵

۲,۷. شراب‌سازی

انجیل کنونی و کتابی که مسیحیان آن را کتاب آسمانی می‌دانند، نه تنها به عیسی • نسبت شراب‌خواری می‌دهد؛ بلکه نخستین معجزه او را شراب‌سازی برمی‌شمرد.

«و در روز سوم، در قانای جلیل عروسی بود و مادر عیسی در آنجا بود. عیسی و شاگردانش را نیز به عروسی دعوت کردند و چون شراب تمام شد، مادر عیسی بدو گفت: شراب ندارند. عیسی ... این ابتدای معجزاتی است که از عیسی در قانای

۱. علی آل اسحاق خوئینی، مسیحیت (آشنایی با مکتب وحی)، ص ۵۱۰.

۲. متی، ۲۱: ۱۸-۲۲.

۳. استاتر: سکه نقره رومی که ارزش آن معادل ۲,۴ درهم بوده است.

۴. متی، ۱۷: ۲۴-۲۷.

۵. یوحنا، ۴: ۴۹-۵۴.

جلیل صادر گشت و جلال خود را ظاهر کرد و شاگردانش به او ایمان آوردند.^۱

بخش سوم. زنده کردن مردگان

یکی از تعجببرانگیزترین معجزات و در عین حال با روایت‌های متعدد که در انجیل مطرح شده، معجزه «زنده کردن مردگان» است.

۳.۱. زنده کردن لعازر

«... به آوای بلند بانگ زد: لعازر برون شو! و مرده برون گشت...»^۲

لعازر (دوست عیسی) که بر اثر بیماری فوت کرده و ۴ روز از دفن او گذشته که عیسی • او را زنده می‌کند. او به زندگی برگشت و مدت کوتاهی را در میان مردم زندگی کرد. این ماجرا در انجیل یوحنا به‌طور مفصل گزارش شده است.

۳.۲. زنده کردن پسر بیوه نائینی^۳

این معجزه که در انجیل لوقا ذکر شده نیز دربارهٔ بیوه‌زنی است که تنها فرزند خود را از دست داده و از این جهت زیاد ناله می‌کرده و دل عیسی • به رحم آمده او را زنده می‌گرداند.

۳.۳. زنده کردن دختر متولی (بائیروس)^۴

در این مورد تفاوتی در متی، مرقس و لوقا دیده نمی‌شود و تنها در مرقس و لوقا افرادی مانند: پطرس، یعقوب، یوحنا برادر یعقوب همراه عیسی • بودند. پدر دختر ایمان آورده و او شفا یافت و مردمی که او را به سخره می‌گرفتند اعمالی داشتند که خود را نشان می‌دهد، نکته قابل توجه اینکه در خلال این داستان، ماجرای زن مبتلا به خونریزی آمده که قبلاً به آن اشاره کردیم.

۳.۴. زنده کردن پسر کارگزار^۵

این ماجرا در شهر قانا برای پسر کارگزار پادشاه که مریض و در آستانهٔ مرگ بود به‌وقوع پیوست که با ایمان آوردن پدر در قانا، پسر در کفرناحوم شفا یافت.

بنابراین چنین معجزاتی به وقوع پیوسته از این رو اصل آن مورد انکار نیست گرچه

۱. یوحنا، ۲: ۱-۱۲. رکه قرآن و کتابهای دیگر آسمانی، عبدالکریم هاشمی‌نژاد، ص ۲۱۸-۲۲۰؛ رک: کامل خیرخواه، پژوهشی در آیین مسیحیت، ص ۱۴۲ (مانند قضیه حضرت عیسی • در مورد حضرت داود نیز اتفاق افتاده است).

۲. یوحنا، ۱۱: ۴۴-۱.

۳. لوقا، ۷: ۱۱-۱۵.

۴. رکه متی، ۹: ۱۸-۲۶؛ رک: لوقا، ۸: ۴۰-۵۶ و مرقس، ۵: ۲۱-۴۳.

۵. یوحنا، ۴: ۴۶-۵۴.

از نظر مصداقی متعدد و دارای مبالغه است. اکنون به معجزات عیسی • در قرآن اشاره می‌شود تا شیوه گزارش‌دهی هر دو کتاب برای بررسی بیشتر روشن شود.

فصل دوم. معجزات عیسی • در قرآن

برای چینش معجزات در قرآن تقریباً همان چینش قسمت قبل مدنظر است. به‌عبارت دیگر، چینش در هر دو بخش مطابق آیات قرآن است که ابتدا به موارد شفا و سپس به زنده‌کردن مردگان می‌پردازیم.

معجزه‌های عیسی • در قرآن از قبیل احیای مردگان، اخبار غیبی، خلق پرنده، شفای کوری و پیسی است^۱ و به گفتهٔ توماس میشل (الیهیدان کاتولیکی معاصر)، مسیحیان این‌گونه معجزات را نفی یا اثبات نمی‌کنند؛ زیرا آنها را در کتاب خود نمی‌یابند.^۲

بخش اول. معجزه‌های آغازین

۱. تکلم در گهواره

ابتدا مختصری در باب ولادت ایشان توضیح داده می‌شود.

با تأمل در آیات «... إِذْ أَيْدَتَكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي...»^۳، «... آنگاه که تو را به روح‌القدس تأیید کردم که در گهواره [به اعجاز] و در میان‌سالی [به وحی] با مردم سخن گفتی و آنگاه که تو را کتاب و حکمت و تورات و انجیل آموختم و آنگاه که به اذن من، از گل، [چیزی] به شکل پرنده می‌ساختی، پس در آن می‌دمیدی، و به اذن من پرنده‌ای می‌شد، و کور مادرزاد و پیسی را به اذن من شفا می‌دادی و...» این نعمت‌ها برای حضرت عیسی و مادرش موهبت و کرامت است.^۴

معجزهٔ تکلم در تمامی متون اسلامی با استناد به آیات قرآن و روایات مطرح شده است؛ حال آنکه در عهدجدید و اناجیل سخنی از آن نیست.

۲. آفرینش پرنده از گل

۱. رک: علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی و محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، فرهنگ قرآن، ص ۳۶۲-۳۶۳.

۲. رک: توماس میشل، کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، ص ۶۷.

۳. مائده/۱۱۰-۱۱۱.

۴. لطیف راشدی، قصه‌های قرآن، ص ۴۳۳.

قرآن برای حضرت عیسی • معجزات دیگری را نیز بیان می‌کند. مثلاً وی در کودکی از خاک و گل، شکلی از مرغ می‌سازد و در وی می‌دمد و آن صورت به حکم خدا جان می‌گیرد و به مرغ واقعی تبدیل می‌شود. این معجزه در انجیل توماس و صباوت (کودکی) ذکر شده است.^۱

در آیاتی از قرآن مانند: «... أَنِّي أَحْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ...»^۲؛ «من از گل برای شما به شکل پرنده می‌سازم، آنگاه در آن می‌دمم، پس به اذن خدا پرنده‌ای می‌شود...» و «... إِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي...»^۳؛ «... و آنگاه که به اذن من، از گل، [چیزی] به شکل پرنده می‌ساختی، پس در آن می‌دمیدی، و به اذن من پرنده‌ای می‌شد.»

فعل «خَلَقَ» به معنای آفریدن است و عیسی • فاعل فعل می‌باشد؛ حال آنکه فعل آفرینش ویژه خداست و تنها او خالق است،^۴ با این بیان که باز هم فاعل اصلی خداست و عیسی نقش واسطه دارد.

بخش دوم. شفای بیماران

شفای آکمه (کوری) و أبرص (پیسی)، از جمله معجزات حضرت عیسی • بود که به ایندو در سوره‌های آل عمران (۴۹) و مائده (۱۱۰) اشاره شده است. آن حضرت، کور مادرزاد را شفا داده که با دقت در برخی روایات به شفای بیماران علیل و رنجور اشاراتی به چشم می‌خورد؛ ولی استناد ما با توجه به معجزه‌های مطرح شده در عهد جدید همین معجزات در قرآن می‌باشد که محدود و دارای تنوع مصداقی نمی‌باشد. یعنی نمی‌گویند که آن نابینا را که شفا داد، زن بوده یا مرد؟ و فقط به وقوع اصل معجزه پرداخته است.

بخش سوم. معجزه‌های عیسی • در طبیعت

یکی از امور شگفت‌آوری که از جانب عیسی • صادر شد، خبر دادن از خوردنی‌ها و ذخایر خانه‌ها بود که مردم زمان خود را مبهوت ساخت. این مسئله ذیل مواردی مانند راه رفتن در آب و... لحاظ شده و همان‌طور که در اناجیل نیز از این معجزه نام برده شد، محتوای آن، پرهیز از حسد و اثرات سو آن بر اعمال مؤمنان است که به برخی از آنها

۱. احمد صدرحاج سید جوادی و دیگران، دایرة‌المعارف تشیع، ج ۱، ص ۵۳۶؛ ر.ک محمد بیومی، بررسی تاریخی قصص قرآن، ترجمه محمد راستگو، ج ۳، ص ۲۸۹.

۲. آل عمران/۴۹.

۳. مائده/۱۱۰.

۴. ر.ک دنیز ماسون، قرآن و کتاب مقدس: درون‌مایه‌های مشترک، ترجمه فاطمه‌سادات تهامی، ج ۱، ص ۲۸۱.

اشاره می‌شود.

۳.۱. اخبار غیبی

از دیگر معجزات عیسی • خبردهی از اخبار غیبی بود که به دو صورت انجام می‌شد: خبر دادن از خوردنی‌های مردم و خبر دادن از ذخیره مردم در خانه‌های‌شان.^۱ در «... أَتَبَيَّنْتُكُمْ ... فِي يَوْمِكُمْ ...»^۲؛ «... از آنچه در خانه‌هایتان ذخیره می‌کنید، خبر می‌دهم...»، اخبار به غیبی که مختص به خدا، رسولانی که خدای تعالی به وسیله وحی به آن آگهی داده و در این معجزه کسی شک نمی‌کند برای اینکه هر انسانی عادتاً می‌داند چه خورده و چه در خانه ذخیره دارد.^۳

علامه طباطبایی بین «خلق»، «إحياء» و «خبر دادن» فرق می‌گذارد. وی می‌گوید در دو مسئله اول خطر گمراه شدن مردم بیشتر است؛ در حالی که در خبر دادن به غیب در نظر مردم ساده و آن را با تمرین بدست می‌آورند. از این رو علامه می‌گوید: در دو تای اول باید اذن خدا لحاظ شود تا قائل به الوهیت نشوند ولی در اخبار به غیب نیازی نیست.^۴

۳.۲. نزول مائده

نزول مائده بنا به درخواست حواریان از سوی عیسی • مورد قبول واقع شد و او از خداوند خواست تا دعای آنان را به اجابت برساند. حواریان درخواست خود را چنین توجیه می‌کنند که ما می‌دانیم تو پیامبر خدا و صادق هستی؛ ولی برای اطمینان قلب ما معجزه‌ای بیاور که برخلاف سایر معجزه‌هایت که زمینی است، این معجزه آسمانی باشد تا از این طریق بر پیروانت نیز افزوده شود.^۵

معجزه مائده در نوع خود منحصر به امت عیسی و برخلاف سایر معجزات که در حال ضرورت انجام می‌شده، بدون هیچ ضرورت و تنها به خاطر درخواست در یک امر غیر لازم انجام یافته است و از این رو عیسی • در درخواست با توجه به صلاحیت تغییراتی ایجاد نمود.^۶

۱. علی اکبر هاشمی رفسنجانی و محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، فرهنگ قرآن، ج ۲۱، ص ۳۶۲؛ رک: احمد

جمال العمری، دراسات فی التفسیر الموضوعی للقصص القرآنی، ص ۳۴۲.

۲. آل عمران/۴۹.

۳. رک: علامه محمدحسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۳۱۳.

۴. همان، ص ۳۱۴.

۵. رک: علی شیروانی، قصص‌های قرآن، ص ۳۴۳-۳۴۴؛ رک: قصص‌های قرآن، ص ۴۳۵.

۶. علامه محمدحسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۶، ص ۳۳۰؛ رک: دنیز ماسون، قرآن و کتاب مقدس:

گروهی برآنند که این خوان آسمانی فرود نیامد؛ چراکه وقتی حواریون از شرایط دریافت و چگونگی سپاس در برابر آن نعمت گران آگاهی یافتند، تقاضای خویشتن را پس گرفتند و در نتیجه فرود نیامد.^۱ اما علامه در المیزان این نظر را رد کرده است.^۲ دیدگاه صحیح این است که مائده فرود آمد؛ زیرا خداوند از فرود آن خبر داده است.^۳

بخش چهارم. زنده کردن مردگان

زنده کردن مردگان در قرآن مطرح شده اما در آن به بیان تعداد، شخص مورد نظر نپرداخته؛ اما در سایر متون اسلامی به ویژه روایات بیان شده است. از این رو در این قسمت تنها به ذکر یک مورد میپردازیم.

«گروهی از اصحاب عیسی از او خواستند تا مرده‌ای را زنده کند. آن حضرت بر قبر سام بن نوح^۴ حاضر شد و به او گفت: برخیز ای سام بن نوح! پس قبر شکافته شد و کلامش را تکرار کرد تا سام خارج شد. پس به سام گفت: آیا دوست داری بمانی یا برگردی؟ سام گفت: ای روح خدا برمی‌گردم چون سختی موت در دل من تا امروز مانده است.»^۵

فصل سوم. تشابهات و تمایزات معجزه‌های عیسی • در قرآن و اناجیل

۳،۱. تشابهات معجزه‌های عیسی • در قرآن و اناجیل

۳،۱،۱. شفای بیماران

در هر دو کتاب این بحث تحت عنوان شفای نابینای مادرزاد، فلج و علیل مطرح شده و البته مصداق‌های آن متفاوت است؛ به طوری که فلج و علیل در قرآن ذکر شده؛ اما در متون روایی در باب آن به نقل روایت و داستانی اشاره شده است.

۳،۱،۲. طبیعت

در اناجیل، به راه رفتن عیسی • در آب، و آرام کردن طوفان اشاره شده و حتی

درون مایه‌های مشترک، ج ۱، ص ۲۸۲.

۱. فضل بن حسن طبرسی، ترجمه تفسیر مجمع‌البیان، ج ۴، ص ۱۴۶.

۲. علامه محمدحسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۶، ص ۳۲۴.

۳. ابوعلی فضل بن حسن طبرسی، ترجمه تفسیر مجمع‌البیان، ج ۴، ص ۱۴۸.

۴. ابی نصر محمد بن مسعود ابن عیاش سلمی سمرقندی (عیاشی)، تفسیر العیاشی، تصحیح: هاشم رسولی محلاتی، ص ۱۹۷-۱۹۸.

۵. محمد مهدی بن سید محمد جعفر موسوی، خلاصه الأخبار (تاریخ انبیاء از آدم تا خاتم و زندگی چهارده معصوم)، ص ۱۸۳.

در برخی اناجیل از گام‌برداشتن در آب به همراه پطرس سخن آمده است. در متون اسلامی نیز روایاتی به این‌دو مورد پرداخته؛ ولی در قرآن تحت عنوان یک معجزه خاص از آن نام نبرده است. شاید بتوان این‌گونه توجیه کرد که این‌دو مورد از «کرامت‌های^۱ حضرت عیسی • است و در هر دو کتاب به پرهیز از حسد اشاره داشت که این نکته اخلاقی در روایات بارزتر بود. و در ادامه به طعام پرداخته که در انجیل «برکت‌دادن به طعام» و در قرآن «نزول مائده» یاد شده است.

۳.۱.۳. زنده‌کردن مردگان

در قرآن و انجیل گزارش شده که «زنده‌کردن مردگان» توسط حضرت عیسی • با توجه به مقتضیات زمان، شرایط مخاطبان، غرض‌ورزی‌ها و... واقع شده تا قدرت خداوند و اثبات رسالت آشکار شود. افرادی که متفقاً در انجیل‌ها و متون اسلامی از آنها نام برده شده، عبارتند: «عازر، پسر بیوه‌زن، دختر متولی کنیسه یا دختری».

۳.۲. تمایزات معجزه‌های عیسی • در قرآن و انجیل

۳.۲.۱. شفای بیماران

در عهدجدید این معجزه به صورت‌های مختلفی قابل مشاهده است؛ به‌طوری‌که خواننده را سرگردان می‌کند مثلاً در شفای نابینایان، کور مادرزاد و کور اشاره شد؛ ولی در قرآن تحت عنوان «شفای کور مادرزاد» آمده که می‌گوید: عیسی او را شفا داد. در دیگر بیماری‌ها به جذامی، ناشنوا، قامت‌خمیده، رنجور، علیل، دیوزده با مصداق‌های مختلف ذکر شده؛ حال آنکه در قرآن «نابینا، پیسی و برص» مطرح شده است. از این‌رو می‌توان گفت اناجیل بیشتر در پی ذکر مصداق بوده‌اند؛ به‌گونه‌ای که دیوزدگان را به‌صورت‌های مختلف با انتساب به افراد و مناطق متعدد آورده است. اما در قرآن این‌گونه نیست و تفاوت روایات حتی در بیان یک موضوع واحد مثل معجزه، ناشی از عدم وحدت رویه از سوی نویسندگان اناجیل است و از این‌رو می‌توان به وجود تفاوت نوشتاری دو متن مقدس رسید.

۳.۲.۲. طبیعت

در اناجیل به شراب‌سازی، درخت انجیر، صید ماهی بزرگ پرداخته که در قرآن

۱. رک: محمدحسن قدردان‌قراملکی، معجزه در قلمرو عقل و دین، ص ۷۶-۷۷، «شباهت اعجاز و کرامت: ۱. هر دو خارق‌عادت‌اند؛ ۲. با استمداد از نیروی قدسی، تفاوت: ادعای نبوت و تحدی در اعجاز و عدم آن در کرامت و تنها مستند آن قوه قدسی و الهی است. کرامت مانند احضار تخت بلقیس توسط آصف: (نحل/۴۰)».

هرگز ذکر نشده است. در انجیل اولین معجزه حضرت عیسی •، شراب‌سازی در عروسی قانا بوده است. و همچنان که می‌دانیم در عهدجدید شراب به‌عنوان سمبل عصر حضور مسیح است.^۱

نفرین کردن درخت انجیر توسط عیسی • به دلیل اینکه چیزی برای خوردن نداشت، نیز با شئون پیامبری و رسالت عیسی همخوانی ندارد.

در قرآن به اخبار غیبی اشاره کرده که در انجیل‌ها نامی از آن برده نشده است. در بحث طعام، آنچه که در قرآن و انجیل‌ها مطرح شده از جهت مقدار، محتوا، ویژگی و سرانجام استفاده‌کنندگان از آن طعام کاملاً با یکدیگر متفاوت است. در این باره می‌توان گفت: در مورد مائده در انجیل یوحنا باب ۶ آیه ۱-۱۵ مطرح شده که قابل تطبیق بر داستان نزول مائده قرآن نیست؛ زیرا در قرآن، تقاضای نزول مائده از سوی حواریان به‌نحو گستاخانه مطرح شده است؛ درحالی که در انجیل یوحنا تقاضا از سوی کسی مطرح نشد، بلکه در دیدار جمعیت عظیمی با مسیح مطرح شده است.^۲

نتیجه

۱. اصل معجزه در قرآن برای اثبات نبوت عیسی • است و ایشان معجزات را به اذن خدا انجام می‌داد تا اتمام حجتی بر تمام مردم زمان خود باشد؛ درحالی که در عهدجدید، معجزه‌های عیسی از سر ترحم و دلسوزی انجام می‌شد.

۲. بیان قرآن در معجزه بر ویژگی «اذن خدا» متمرکز است؛ حال آنکه در انجیل‌ها ایمان به شخص عیسی مسیح • شرط است.

۳. ذکر برخی از معجزات عیسی • فقط در قرآن آمده است؛ مانند: تأیید روح‌القدس، تکلم در گهواره، چشمه روان، پرندۀ گلین. همچنین برخی معجزات عیسی که محدود به دوران کودکی و پیش از رسالت ایشان است، در سنت اسلامی تحت عنوان «ارهاص» معروف است که در انجیل‌ها هرگز خبری از این موارد مهم نیست.

۴. در عهدجدید به‌ویژه چهار انجیل و اعمال رسولان تا حدودی به معجزات عیسی • پرداخته شده است که بیشتر به مباحث اخلاقی اشاره داشت.

۵. مواردی که در برخی انجیل‌ها به حضرت عیسی • نسبت داده شده، منطقی

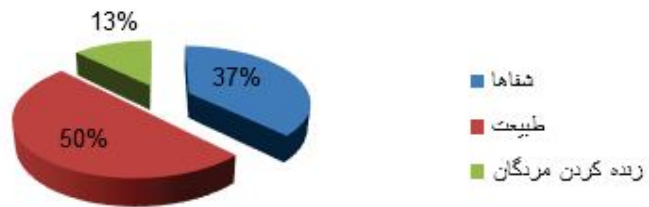
۱. رک: بهرام محمدیان، دایرةالمعارف کتاب مقدس، ص ۶۳۹.

۲. رکه احمد بهشتی، عیسی در قرآن، ص ۲۶۱-۲۶۲.

- نیست و در متون اسلامی اثری از آن نیست و برخی اموری که می‌بایست به عیسی نسبت دهند، موجود نیست. از این رو انجیل در باب معجزات، کافی و کامل نیست. ۶. اضطراب و تناقض معانی در متون اناجیل مشهود است که می‌تواند بیانگر تناقض لفظی و رهیافت تحریف در کتاب مقدس باشد. قرآن در نقل داستان‌های خود توازن دارد و به طیف خاصی توجه ندارد.

پیوست‌ها

• فراوانی معجزات عیسی در قرآن



• فراوانی معجزات عیسی در اناجیل



• فراوانی معجزات عیسی در دو کتاب



منابع

قرآن کریم.

کتاب عهدجدید(ترجمه پیروز سیار، نشر نی، تهران، ۱۳۸۷ش).

۱. هاکس، مستر، قاموس کتاب مقدس، اساطیر، ۱۳۰۶ش.
۲. ابن ذکریا، ابی الحسین احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، مرکز النشر، قم، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن کثیر، حافظ عمادالدین ابی الفداء اسماعیل بن عمر، قصص الأبیاء، تحقیق احمد محمود الخولی و دیگران، دارالسلام، مصر، ۱۴۲۸ق.
۴. آل اسحاق خوئینی، علی، مسیحیت (آشنایی با مکتب وحی)، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۶۴ش.
۵. اندلسی، ابوحیان محمد بن یوسف، البحرالمحیط فی التفسیر، دارالفکر، بیروت، ۱۴۲۰ق.
۶. آوی، آلبرت، تاریخ سیر فلسفه در اروپا، ترجمه علی اصغر حلبی، قطره، تهران، ۱۳۸۳ش.
۷. بهشتی، احمد، عیسی در قرآن، اطلاعات، تهران، ۱۳۷۵ش.
۸. بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوارالتنزیل و اسرارالتأویل، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۸ق.
۹. پرچم، اعظم، «معجزه در عهدین»، مجله تخصصی کلام، ش ۴۱، مرکز مدیریت حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۸۱ش.
۱۰. ———، «بررسی و مطالعه گفتمان‌های تورات، انجیل و قرآن در معجزه پیامبران»، الهیات تطبیقی، ش ۱، سال ۱۳۸۹ش.
۱۱. توفیقی، حسین، آشنایی با ادیان بزرگ، سمت، تهران، ۱۳۷۹ش.
۱۲. جلال‌الدین محلی و سیوطی، تفسیر جلالین، مؤسسه النور للمطبوعات.
۱۳. حامدی، گلناز، فرهنگ اصطلاحات ادیان جهان، مدحت، چاول، تهران، ۱۳۸۳ش.
۱۴. حسینی همدانی، محمدحسین، انوار درخشان، لطفی، تهران، ۱۴۰۴ق.
۱۵. حق شناس، علی محمد، فرهنگ معاصر هزاره (انگلیسی فارسی)، فرهنگ معاصر، تهران، ۲۰۰۲م.
۱۶. خرمشاهی، بهاء‌الدین، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، دوستان، تهران، ۱۳۷۷ش.

۱۷. خویی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، اخراج: مرتضی حکمی، ۱۳۸۵ق.
۱۸. خیرخواه، کامل، تحریف اناجیل، مکتب اسلام، سال ۱۷، ش ۱۰.
۱۹. راشدی، لطیف، قصه‌های قرآن، پیام عدالت، تهران، ۱۳۸۷ش.
۲۰. رفسنجانی، علی‌اکبر، و محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، فرهنگ قرآن، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۲ش.
۲۱. زمخشری، ابی‌قاسم محمودبن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض لتنزیل و عیون الأثواب فی وجوه لتأویل، مکتبه العبیکان، چ ۱، ریاض، ۱۴۱۸ق.
۲۲. زبیبایی نژاد، محمدرضا، مسیحیت‌شناسی مقایسه‌ای، سروش، تهران، ۱۳۸۲ش.
۲۳. سبحانی، جعفر، منشور جاوید، مؤسسه امام صادق، قم، ۱۳۸۲ش.
۲۴. سلمی سمرقندی، ابی‌نصر محمدبن مسعود ابن‌عیاش، تفسیر عیاشی، تصحیح: هاشم رسولی محلاتی، اعلمی لمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۱ق.
۲۵. سیوری، مقدادبن عبدالله، الباب الحادی عشر للعلامه الحلی، تحقیق مهدی محقق، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک‌گیل شعبه تهران، ۱۳۶۵ش.
۲۶. صادق‌نیا مهرباب، «مسیح و شریعت موسوی»، هفت‌آسمان (فصلنامه تخصصی ادیان و مذاهب)، ش ۲۷، ۱۳۸۴ش.
۲۷. صدر حاج سید جوادی، احمد، و دیگران، دایرة‌المعارف تشیع، سعید محبی، تهران، ۱۳۷۵ش.
۲۸. طباره، عقیف و عبدالفتاح، همراه با پیامبران در قرآن، ترجمه حسین خاکساران و عباس جلالی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹ش.
۲۹. طباطبائی، محمدحسین، المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی‌همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۳۰. طبرسی، ابوعلی فضل‌بن حسن، مجمع‌البیان، ترجمه علی کرمی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۱. طبری، ابی‌جعفر محمدبن جریر، تفسیر الطبری المسمی جامع‌البیان فی تأویل القرآن، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۱۲ق.
۳۲. طوسی، ابی‌جعفر محمدبن حسن، التبیان، تحقیق: احمد حبیب قصیر عاملی، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۳۳. عبدالله جوادی‌آملی، تسنیم، مرکز نشر اسراء، چ اول، ۱۳۸۷ش.
۳۴. فاریاب، محمدحسین، تحریف تورات و انجیل از دیدگاه قرآن، معرفت، ش ۱۴۳،

- سال ۱۳۸۸ش.
۳۵. فخررازی، ابوعبدالله محمدبن عمر، مفاتیح‌الغیب، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۴۲۰ق.
۳۶. قدردان قراملکی، محمدحسن، معجزه در قلمرو عقل و دین، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۱ش.
۳۷. کمالی‌دزفولی، علی، شناخت قرآن، اسوه، چاول، قم، ۱۳۷۰ش.
۳۸. کاشف‌الغطاء، محمدحسین، پژوهشی درباره انجیل و مسیح، ترجمه مهدی خسروشاهی، خرم، قم، ۱۳۷۰ش.
۳۹. ماسون، دنیز، قرآن و کتاب مقدس: درون‌مایه‌های مشترک، ترجمه فاطمه‌سادات تهامی، نشر سهروردی، تهران، ۱۳۷۹ش.
۴۰. مجلسی، محمدباقر، حیات‌القلوب، ج ۲ (تاریخ پیامبران و بعضی از قصه‌های قرآن)، تحقیق علی امامیان، سرور، ۱۳۷۶ش.
۴۱. محمدرضا، زیبایی‌نژاد، نقل از درآمدی بر تاریخ و کلام مسیحیت، اشراق، قم، ۱۳۷۵ش.
۴۲. محمدیان، بهرام، و دیگران، دایرة‌المعارف کتاب مقدس، سرخدار، تهران، ۱۳۸۱ش.
۴۳. محمود، عبدالله محمد، موسوعه معجزات الانبیاء، دار اسامه، اردن، ۲۰۰۴م.
۴۴. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، دایرة‌المعارف قرآن کریم، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۲ش.
۴۵. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاول، بی‌جا، ۱۳۶۸ش.
۴۶. معرفت، محمدهادی، التمهید فی علوم القرآن، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۱ق.
۴۷. مکارم‌شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ش.
۴۸. موسوی، محمد مهدی ابن سیدمحمد جعفر، خلاصة الأخبار (تاریخ انبیاء از آدم تا خاتم و زندگی چهارده‌معصوم)، دانشور، تهران.
۴۹. میشل، توماس، کلام مسیحی، ترجمه حسین توفیقی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۷۷ش.
۵۰. نسفی، ابوحفص نجم‌الدین محمد، تفسیر نسفی، سروش، تهران، ۱۳۶۹ش.

- ۵۱ هینلز، جان آر، فرهنگ ادیان جهان، ویراسته: ع. پاشایی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۸۵ش.
- ۵۲ وورست، رابرت ای وان، مسیحیت از لابه‌لای متون، ترجمه جواد باغبانی و عباس رسول‌زاده، انتشارات آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۴ش.